



## «حلقات»

### درس 3

استاد: حجت‌الاسلام و المسلمین علم الهدی  
آموزشیار: آقای عطایی

## مقدمه:

پس از پذیرفتن حجیت خبر واحد، به بحث پیرامون شرایطی پرداختیم که با وجود آنها خبر واحد حجیت پیدا می‌کند.

در درس گذشته به این نتیجه رسیدیم که خبر واحد در صورتی حجت است که راوی آن ثقه باشد. علاوه بر آن، مشهور قائلند که نباید مدلول این خبر ثقه با مؤدای اماره ظنیّه نوعیه (شهرت فتوایی) مخالفتی داشته باشد. در درس حاضر، شهید صدر(ره) اخبار را از جهت مستند، به سه دسته «خبر حسی، قریب به حس و بعضی از حس» تقسیم خواهد نمود، و حجیت دسته اول و دوم از اخبار را خواهد پذیرفت. در ادامه به این پرسش پاسخ خواهد داد که مفاد ادله حجیت خبر واحد درباره موضوع بحث چیست؟ در پایان نیز دو فرع مهم که بر بحث مستند مخبر مبتنی هستند مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

## متن درس

و لا شك في ان أدلة حجية خبر الثقة، و العادل، لا تشمل الخبر الحدسي المبني على النظر و الاستنباط، و انما تختص بالخبر الحسي المستند إلى الإحساس بالمدلول كالأخبار عن نزول المطر، أو الإحساس بآثاره و لوازمه العرفية كالأخبار عن العدالة.

و على هذا فقول المفتي ليس حجة على المفتي الآخر بلحاظ أدلة حجية خبر الثقة لأن أخباره بالحكم الشرعي ليس حسيًا، بل حدسيًا و اجتهاديًا نعم هو حجة على مقلديه بدليل حجية قول أهل الخبرة و الذكر.

و من أجل ذلك يقال بان الشخص إذا اكتشف بحدسه، و اجتهاده قول المعصوم عن طريق اتفاق عدد معين من العلماء على الفتوى فأخبر بقول المعصوم استناداً إلى اتفاق ذلك العدد لم يكن أخباره حجة في إثبات قول المعصوم، لأنه ليس أخباراً حسيًا عنه و انما يكون حجة في إثبات اتفاق ذلك العدد من العلماء على الفتوى - إذا لم يعلم منه التسامح عادة في مثل ذلك -

## بحث سوم: مستند مخبر

یکی از سؤالات مهمی که در بحث شرایط حجیت خبر واحد مطرح می‌باشد این است که آیا اخباری که حاوی استنباط روات می‌باشند هم چون اخباری که حاوی گزارشات حسی آنها هستند حجت می‌باشند؟ برای پاسخ به این پرسش اخبار را به سه دسته تقسیم می‌کنیم.

**1) خبر حسی:** اصولیون، حجیت خبری که مستند مخبر آن حس باشد و نه حدس را مسلم می‌دانند. اگر یک راوی به استناد حدس و استنباط، مطلبی را روایت کند، خبر او فاقد حجیت می‌باشد؛ زیرا ادله حجیت خبر ثقه و عادل، فقط شامل اخباری می‌شوند که مخبر عنه (محتوای) آنها قابل درک حسی (محسوس) باشند.

**2) خبر قریب به حس:** برخی از امور غیر محسوس، دارای لوازم و آثار عرفی محسوس می‌باشند؛ به گونه ای که عرفاً از این آثار و لوازم محسوس، می‌توان به ملزوم غیر محسوس آنها پی برد. این امور هرچند حسی نیستند، اما بسیار قریب به حس می‌باشند؛ به همین دلیل اگر خبری مشتمل بر آنها باشد، حکم اخبار حسی را خواهد داشت. خبر دادن از عدالت زید، نمونه‌ای از این موارد است.

توضیح: هر چند عدالت، ملکه‌ای درونی است و امری حسی نمی‌باشد، اما آثار و لوازم عرفی آن کاملاً حسی است؛ مثل رعایت ظواهر شریعت و حضور در صفوف نماز جماعت که همگی قابل رؤیت هستند و می‌توان به واسطه آنها، به عدالت اشخاص پی برد و از آن خبر داد.

**3) خبر بعید از حس:** گاه امور غیر محسوس، دارای لوازم محسوسی می‌باشند که صرفاً به واسطه دقت عقلی می‌توان از این لوازم، به آن امور غیر محسوس پی برد؛ به تعبیر دیگر، ملازمه عرفی، بین آن دو وجود ندارد. اخباری که مشتمل بر این گونه از موارد باشند، حکم اخبار حسی را نداشته و فاقد حجیت می‌باشند. خبر دادن یک فقیه از حکم شرعی، نمونه‌ای از این موارد است.

توضیح: ممکن است شخصی با دقت عقلی به ملازمه بین فتوای یک فقیه یا عده‌ای از فقها با قول معصوم (ع) پی ببرد، اما از آنجا که قول معصوم (ع) برای این شخص محسوس نبوده و صرفاً با دقت عقلی در یک خبر حسی (فتوای فقیه) به وجود آن پی برده است، نمی‌تواند به حجیت قول معصوم که توسط این فقیه کشف شده قائل شود. (البته این مسأله با حجیت قول مفتی برای مقلد تفاوت دارد که بحث آن در ادامه خواهد آمد)

**نتیجه:** خبر واحدی حجت است که یکی از شرایط زیر را داشته باشد.

1. حسی باشد و راوی، ادراکات حسی خود را گزارش کند؛ مثل اخبار مخبر از بارش باران.
2. قریب به حس باشد؛ یعنی اگر خود مخبر عنه قابل ادراک حسی نیست، آثار و لوازم حسی آن قابل ادراک حسی باشد؛ مثل خبر دادن مخبر از عدالت یک شخص.

scol: (10:49)

## بررسی مفاد ادله حجّیت خبر واحد در رابطه با مستند مخبر

در این بحث (همانند بحث نخست)، برای پی بردن به اینکه خبر واحد از نظر مستند، باید چه شرایطی داشته باشد، به بررسی ادله حجّیت خبر واحد پرداخته و مدلول آنها را از این جهت مورد بررسی قرار می دهیم . شهید صدر مدعی است که ادله حجّیت خبر ثقه و عادل، به خبر حسی اختصاص دارد.

### بررسی شرط سوم در آیه نبأ

آیه نبأ فقط درصدد برداشتن کذب شخص عادل است. توضیح بیشتر مطلب این است که اگر سخن شخص عادل مطابق واقع نباشد، یکی از دو احتمال در مورد او مطرح می شود: 1) احتمال خطا 2) احتمال کذب. آیه شریفه فقط احتمال کذب را از شخص عادل تعبداً نفی می کند و بیان می کند که به احتمال کذب او توجه نکنید ولی نسبت به احتمال خطای شخص عادل ساکت است؛ زیرا آیه بین فاسق و عادل تفکیک می دهد و حکم اینها را از یکدیگر جدا می کند. از سوی دیگر تفاوت این دو، در احتمال کذب است؛ چرا که احتمال کذب شخص فاسق بیشتر است؛ اما بین عادل و فاسق از نظر احتمال خطا هیچ فرقی وجود ندارد. احتمال خطای یک مخبر باید توسط عقلا نفی شود. عقلا در مواردی احتمال خطای شخص را نادیده گرفته و به آن توجهی نمی کنند که احتمال خطای مخبر خیلی کم و ناچیز باشد؛ مثل اخبار شخص از امور محسوس. ولی در مواردی که احتمال خطای مخبر کم نباشد، این احتمال را نادیده نمی گیرند؛ مثل اخبار از روی حدس و استنباط و نظر.

لذا اگر اخبار حسری باشد هر چند مخبر آن عادل باشد احتمال خطا نادیده گرفته نمی شود و بدون تحقیق به قول او عمل نمی شود.

علاوه بر اینکه اصولاً در اخباری که مبتنی بر استنباط و نظر باشد و احتمال خطا زیاد باشد، اعتماد کردن بدون تحقیق، عین سفاهت و جهالت است و این مطلب امری است که آیه شریفه به صراحت از آن نهی می کند.

### بررسی شرط سوم در سیره متشرعه

سیره متشرعه که در میان اصحاب اهل بیت (ع) برپا بوده است، اعتماد به روایات روایان بوده و نه فتاوی آنها. آنها به روایاتی اعتماد می کردند که راوی از امام (ع) شنیده بود و یا در عمل امام (ع) دیده بود و نه آنچه که با حدس و نظر خود به آن پی می برد؛ بنابراین سیره متشرعه فقط روایاتی را حجّت می داند که حسی باشند.

### بررسی شرط سوم در سیره عقلائیّه

در بین عقلا آنچه به شکل یقینی می توان ادعا کرد این است که اعتماد بدون تحقیق، فقط در مورد اخباری وجود دارد که عن حسی ارائه شده باشند.

**جمع بندی:** ادله حجّیت خبر ثقه و عادل، مخبر خبر حسی می باشند و شامل خبر حدسی که مبتنی بر استنباط و نظر می باشد نمی شوند.

**فرع اول:** عدم کشف فتوای فقیه از قول معصوم

هر چند ممکن است فتوای یک فقیه به دلالت التزامی کاشف از قول معصوم (ع) باشد، اما این فتوا هیچ گاه نمی تواند برای فقیه دیگری به عنوان حجّتی برای کشف قول معصوم (ع) محسوب شود؛ زیرا فتوای یک فقیه در واقع، خبری است که بر اساس نظر و استنباط شکل گرفته و بنابراین از آنجا که حسی نبوده و حتی قریب به حس نیز نمی باشد، نمی تواند حجّتی برای کشف قول معصوم باشد. باید توجه داشت که حجّت بودن فتوای فقیه برای مقلّدین او، از باب دیگری است که خواهد آمد.

**پرسش:**

چرا خبر فقیه از حکم یک عمل (فتوی)، خبری قریب به حس محسوب نمی شود تا آن را حجّتی برای کشف از قول معصوم بدانیم؟

**پاسخ:**

خبری مانند «اخبار از عدالت یک شخص» را به این دلیل «اخبار قریب به حس» دانستیم که اخبار از عدالت، به واسطه آثار و لوازم عرفی و محسوس عدالت، صورت می گیرد، اما خبر دادن از قول معصوم در فتوای، به واسطه استنباط و نظر فقیه صورت می گیرد نه آثار و لوازم عرفی و محسوس قول معصوم. بنابراین فتوای یک فقیه برای دیگران خبری قریب به حس از قول معصوم محسوب نمی شود، هر چند برای مقلّدین آن فقیه واجب الاتباع باشد.

**پرسش: علت لزوم تبعیت از فتوای فقیه**

اگر فتوای فقها به عنوان حجّتی که کاشف از قول معصوم باشند، محسوب نمی شوند پس چرا برای مقلّدین، واجب الاتباع هستند؟

**پاسخ:**

در پاسخ این پرسش، به دو دلیل اشاره می شود:

1. عقلا در مسائلی که نسبت به آن اطلاعی ندارند به اهل خبر رجوع می کنند؛ بنابراین سیره عقلا مبتنی بر رجوع جاهل به عالم است.

2. آیه 43 سوره مبارکه نحل: فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

sco2: (21:50)

**فرع دوم: عدم حجیت خبر از قول معصوم بر اساس قول به ملازمه**

اگر کسی از قول معصوم (ع) خبر داد و معلوم شد که خبر او از قول معصوم (ع)، به دلیل اعتقاد او به ملازمه بین فتوای جماعتی و یا فتوای جمیع فقها با قول معصوم است، در این صورت نیز خبر او فاقد حجّیت می باشد.

توضیح: برخی قائل هستند که بین فتوای مشهور فقها با قول معصوم ملازمه وجود دارد؛ بر همین اساس، به اعتبار شهرت فتوایی و یا اجماع فقها، از قول معصوم خبر می‌دهند. این گونه خبرها که مبتنی بر یک ملازمه خاصی است که از نظر مخبر آن برقرار است برای دیگران حجت نیست؛ زیرا بر مبنای حدس و استنباط صورت می‌گیرد.

**کشف اجماع یا شهرت فتوایی توسط خبر واحد:** هر چند خبر دادن از قول معصوم براساس اتفاق فقها بر یک فتوا، فاقد حجیت و کاشفیت از قول معصوم است، ولی باید توجه داشت که بر اساس ادله حجیت خبر واحد، می‌توان با استناد به خبر این مخبر، شهرت فتوایی فقها را به دست آورد.

پس اجماع فقها و یا شهرت فتوایی آنها با خبر واحد نیز ثابت می‌شود، مگر این که بدانیم نوعاً در نقل آنها تسامح صورت می‌گیرد، ثابت شدن آنها می‌تواند برای کسانی که به ملازمه بین اجماع فقهاء و یا شهرت فتوایی با رأی معصوم قائل هستند ثمرات زیادی داشته باشد.

sco3: (28:01)

## چکیده:

1. خبر واحدی که مستند راوی آن، ادراک مدلول خبر به واسطه حس باشد، حجت است؛ مثل اخبار مخبر از بارش باران.
2. خبر واحدی که مستند راوی آن، ادراک مدلول خبر به واسطه آثار و لوازم عرفی و محسوس آن باشد، حجت است؛ مثل اخبار مخبر از عدالت یک شخص.
3. خبر واحدی که مستند راوی آن، حدس مبتنی بر نظر و استنباط باشد، حجت نیست.
4. با بررسی ادله حجیت خبر ثقه و عادل به این نتیجه می‌رسیم که این ادله، شامل اخبار مستند به حدس نمی‌شوند.
5. در هر خبری احتمال «خطا و کذب» وجود دارد، و احتمال خطا در مورد مخبر عادل و فاسق یکسان است، ولی احتمال کذب در مورد مخبر فاسق، خیلی بیشتر است.
6. «آیه نبأ» احتمال کذب را در مورد مخبر عادل، تعبداً نفی می‌کند و از تعلیل آن استفاده می‌شود موردی که به دلیل احتمال بالای خطای مخبر، اعتماد به خبر در نظر عقلا سفاهت و جهالت شمرده می‌شود (مثل اخبار حدسی)، فاقد حجیت است.
7. با اعتقاد به عدم حجیت اخبار حدسی، فتوای یک فقیه نمی‌تواند برای فقیهی دیگر به عنوان خبر ثقه، حجت و کاشف از قول معصوم (ع) باشد.
8. علت حجیت قول فقیه برای مقلدینش، حجیت قول خ‌بره و اهل ذکر برای کسانی است که جاهل بوده و اطلاع ندارند.
9. اگر کسی به دلیل ملازمه ای که بین شهرت فتوایی یا اجماع فقها و قول معصوم (ع) قائل است، از قول معصوم خبر داد، خبر او برای دیگران حجت نمی‌باشد؛ زیرا این خبر، حدسی محسوب می‌شود.
10. اگر مخبری بر اساس اجماع فقها یا شهرت فتوایی از قول معصوم خبر داد، می‌توان بر اساس خبر او که خبر واحد می‌باشد، حکم به وجود اجماع فقها یا شهرت فتوایی کرد.